آداب معاشرت با همسایگان

بخش اول



مجاورت خانه‌های مسکونی برای صاحبان آنها تعهد به‌وجود می‌آورد. از خصوصیات حق همسایگی این است که مزایای متقابل دارد و بین مردم جریان یافته است. چنین نیست که همسایه‌ای حقوقی بر عهده دیگران داشته باشد ولی خودش نسبت به مجاوران، حقی را تعهد نکند. در واقع هرکس که تصور می‌کند به گردن دیگری حق دارد، در همان حال باید متوجه این حقیقت باشد که او هم مدیون است. امام صادق(ع) می‌فرمایند: آیا مردی از شما شرم نمی‌کند که همسایه‌اش حق همجواری را در خصوص او رعایت کند ولی او این حقیقت را نشناسد؟

ضرورت نیکی به همسایه

بدون تردید، پس از خانواده، افرادی که در یک محلی گردهم آمده‌اند، جامعه‌ای مهم را پدید می‌آورند که اتحاد و وفاق اجتماعی و معاشرت‌های آنان می‌تواند استحکام و استواری این تشکل را در بعد انسانی و اخلاقی تضمین کند. اسلام برای افرادی که در مجاورت یکدیگر سکونت دارند، حقوقی در نظر گرفته است؛ که اگر فردی بخواهد آنها را زیر پا نهد خاطی و خلافکار محسوب می‌شود. حق همسایگی در این آئین چنان اهمّیتی دارد که قرآن کریم پس از مطرح‌کردن یکتاپرستی و اجتناب از شرک‌ورزی، دعوت عملی به تعاون و تضامن اجتماعی می‌کند و پس از پرستش خداوند، نیکی به والدین، ارحام، یتیمان و فقیران و احسان به همسایه را مورد توجّه قرار می‌دهد: «و اعبدوا الله و لا تشرکوا به شیئاً و بالوالدین احساناً و بذی‌القربی و الیتامی و المساکین و الجار ذی‌القربی و الجار الجنب والصاحب بالجنب و ابن‌السبیل و ما ملکت ایمانکم ان‌الله لایحبّ من کان مختالاً فخوراً.»[1] جالب اینکه رعایت حقوق مجاوران طبق آیه قرآن، عملی‌کردن فرمان الهی است و نیز این سلوک و رفتار نیک در ردیف عبادت پروردگار تلقی شده است. منظور از عبارت «جار ذی القربی»، همسایه نزدیک، خویشاوند و یا هم‌عقیده می‌باشد و «جار جنب»، دور بودن از نظر فاصله، خویشاوندی یا اعتقاد را می‌رساند.[2] ارتباط شایسته افراد یک محل که با هم همسایه‌اند و نیز خوش‌رفتاری آنان تا بدان حد است که حضرت امام رضا(ع) این ویژگی را از جمله اهداف بعثت رسول اکرم(ص) برشمرده‌اند.[3] حضرت علی(ع) نیز فرموده‌اند شیعیان ما کسانی‌اند که به خاطر ولایت ما نسبت به یکدیگر بذل و بخشش می‌کنند... مایه برکت همسایگان هستند و با معاشران خود، در صلح و صفا به سر می‌برند.[4] آن حضرت چهار خصلت را بر شمرده‌اند که اگر کسی آنها را مراعات کند اهل بهشت است که یکی از آنها رفتار پسندیده با همسایگان است.[5] امام صادق(ع) در سخنی جاویدان نیک‌رفتاری با همسایه را بعد از نماز و در ردیف اقامه این فریضه الهی در مسجد ذکر کرده‌اند.[6] ابن مسکان می‌گوید: امام صادق(ع) فرمود: ما ریشه همه خوبی‌ها و نیکی‌ها هستیم و این‌ها همه از شاخه‌های وجود ماست. در این روایت تفقّد از همسایه به عنوان خیر و خوبی معرفی شده است.[7] امام حسن مجتبی(ع) در ایام کودکی، شبی تا صبح ، مراقب عبادت مادرش حضرت صدیقه کبری(س) بود و می‌نگریست که آن بانوی بانوان مدام در حال رکوع، سجود، قیام و قعود است و به خوبی می‌شنید که مادرش درباره زنان و مردان دعای خیر می‌کند و برای هر یک از آنان سعادت، رحمت و برکت می‌خواهد. آن حضرت صبح هنگام، خطاب به مادرش گفت: هرچه گوش کردم درباره دیگران دعای خیر کردی امّا درباره خودت دعایی نکردی. حضرت فاطمه زهرا(س) فرمودند: یا بنیّ: الجار ثم‌الدار؛ ای فرزندم اوّل همسایه بعد خانه خود.[8] حضرت علی (ع) در خطبه قاصعه از تعصب‌های غلط، افتخارات بیهوده و مباهات به طایفه و قبیله بشدت انتقاد می‌کند و می‌فرماید: اگر کسی بخواهد واقعاً تعصب به خرج دهد باید کردار پسندیده، خصال نیکو و خوی خوب انسانی را ملاک مباهات و فضیلت قرار دهد و در فرازی از این خطبه تأکید می‌کند به صفات حمیده و اخلاق کریمه افتخار کنید و سپس برخی از خصلت‌هایی را که سزاوار است افراد داشته باشند برمی‌شمارد. نخستین این حالات نیکو از دیدگاه نخستین امام، حقوق همسایه و رعایت حال اوست: من الحفظ للجوار.[9] یکی از صفات متقین که حضرت علی(ع) در خطبه همام بدان اشاره فرموده است زیان نرساندن به همسایه است.[10] آن امام در بستر شهادت نیز بازماندگان را این گونه وصیت فرمود: از خدا بترسید درباره همسایگانتان که آنان سفارش‌شده پیامبرتان هستند.[11] حضرت امام حسین(ع) نیز مسلمانان را به پنج خصلت توصیه کرده‌اند که یکی از آنها خوش رفتاری با همسایه است.[12] دعای چهل و چهارم صحیفه سجادیه مربوط به هنگام فرارسیدن ماه رمضان و استقبال از این ایام مبارک است. در بخشی از این نیایش نورانی، امام چهارم از پیشگاه خداوند می‌خواهد که به آن حضرت توفیق دهد با همسایه‌اش از طریق فضل و سخاوت رفتار نموده و در رفع احتیاجات و مساعدت به فقیرانشان اقدام کند و در مقابل آزارشان از در نیکی و خوش‌خویی درآید.

امام صادق(ع) فرموده‌اند: آئین ائمه(ع) ورع، عفّت... نیکو معاشرت کردن با همه و حسن همجواری (خوش همسایگی) است.[13] حضرت امام رضا(ع) در کلامی گرانسنگ فرموده‌اند: بر شما باد به تقوای الهی، پارسایی، کوشش در طاعت و بندگی، ادای امانت، راستگویی و حسن هم‌جواری که این موارد اساس رسالت حضرت محمد مصطفی(ص) است.[14]

مرزها و حقوق همسایگان

در خصوص حدّ همسایگی، رسول اکرم(ص) فرموده‌اند: تا چهل خانه از روبرو، پشت سر، طرف راست و سوی چپ، همسایه محسوب می‌شوند.[15] بر اساس این روایت در روستاها و شهرهای کوچک، محلات مسکونی، شهرک‌ها و بلوک‌های ساختمانی افراد کثیری با یکدیگر همسایه‌اند و لازم است حقوق متقابل خویش را مراعات کنند اگر سفارش مؤکّد اسلام در این نواحی بین ساکنین آنان عمل شود مردمی که تا مسافت‌های قابل توجّهی با هم زندگی می‌کنند بسیاری از دشواری‌های اجتماعی، اخلاقی، امنیتی و تربیتی را پشت‌سر گذاشته و از زندگی آمیخته به مودت بهره‌مند می‌شوند، چنین پدیده‌ای در رشد عاطفی و بهبود ساختار اقتصادی اجتماعی مناطق مسکونی تأثیر قابل ملاحظه خواهد گذاشت. بنا به فرمایش خاتم رسولان الهی همسایگان به سه دست تقسیم می‌شوند. نخست همسایه‌ای که در سه محور بر گردن ما حق دارد: حق همسایگی، حق خویشاوندی و اسلام (برادر دینی و ایمانی)؛ دوم همسایه‌ای که دارای دو حق است: حق همسایگی و حق برادر ایمانی؛ سوم همسایه‌ای که صرفاً دارای حق همسایگی است و آن حق افراد غیر مسلمان از اهل کتاب است.[16] بنابراین حقوق همجواری را باید حتی در مورد همسایه‌ای که در اعتقادات و باورها با ما وجه اشتراکی ندارد، مراعات کرد.

مجاورت خانه‌های مسکونی برای صاحبان آنها تعهد به‌وجود می‌آورد. از خصوصیات حق همسایگی این است که مزایای متقابل دارد و بین مردم جریان یافته است. چنین نیست که همسایه‌ای حقوقی بر عهده دیگران داشته باشد ولی خودش نسبت به مجاوران، حقی را تعهد نکند. در واقع هرکس که تصور می‌کند به گردن دیگری حق دارد، در همان حال باید متوجه این حقیقت باشد که او هم مدیون است. امام صادق(ع) می‌فرمایند: آیا مردی از شما شرم نمی‌کند که همسایه‌اش حق همجواری را در خصوص او رعایت کند ولی او این حقیقت را نشناسد.[17]

در روایتی حضرت رسول اکرم(ص) فرموده‌اند: حق همسایه آن است که اگر در بستر بیماری قرار گرفت از وی عیادت کنی و اگر مرگش فرا رسید در تشییع جنازه او حضور یابی و اگر از تو قرض خواست، از پرداخت آن امتناع نکنی و اگر سرور و شادی در زندگی‌اش رخ داد بر او تبریک و تهنیت گویی و در مصائب و ابتلائات با او همدردی کنی. ساختمان محل سکونت خود را از خانه او بالاتر نبری و او را از نسیم فرح‌زا و هوای خنک محروم نکنی.[18] در حدیث دیگری آن مرد آسمانی توصیه کرده‌اند: چون میوه ای خریدی مقداری به همسایه‌ات هدیه کنی و در غیر این صورت آن را پنهانی به منزل ببری. فرزندت را در حالی که میوه می‌خورد به بیرون از خانه نفرست که مبادا بچه همسایه آزرده شود و نیز بوی غذای تو، وی را ناراحت نکند (امکان دارد آن را نتواند تهیه کند) مگر اینکه مقداری برایش بفرستی.[19]

امام زین العابدین(ع) حقوق متقابل همسایگان را این گونه بیان کرده‌اند: حق همسایه‌ات این است که (آبروی) او را در غیابش حفظ کنی و در حضورش به وی احترام بگذاری. اگر ستمی وی را تحت‌فشار قرار داد، به امدادش بشتابی و در رفع ستم از وی بکوشی. در عیوب او تجسّس نکنی و اگر ناگواری از همسایه دیدی نادیده بگیری... و با عزّت و شادمانی با او معاشرت کنی و قادری جز خداوند تبارک و تعالی نمی‌باشد.[20]

خوش همسایگی

خوب همسایه داری، خوش‌رفتاری با همسایه‌ها و احسان در خصوص آنان دستوری دینی است. امام صادق(ع) فرموده‌اند: بر شما باد به خوش همسایگی ، که خداوند عزّ و جل بدان امر کرده است.[21] رسول اکرم(ص) توصیه فرموده‌اند: اگر می خواهید که پروردگار و فرستاده‌اش شما را دوست بدارند، وقتی امانتی به شما سپردند آن را ادا کنید، درسخن گفتن، صداقت را در نظر بگیرید و با همسایگان به نیکی رفتار کنید.[22] همچنین آن حضرت فرموده‌اند آنچه برای خود می‌خواهی برای دیگران نیز بخواه تا مؤمن باشی و با همسایگان خوش‌رفتاری کن تا در زمره افراد مسلمان به شمار آیی.[23] ابوربیع شامی می‌گوید: حضرت امام صادق(ع) فرمود: بدانید از ما نیست کسی که با همسایه‌اش خوش‌رفتاری نکند.[24] حضرت علی(ع) نیز در اهمیت این موضوع فرموده‌اند: خدا رحمت کند همسایه‌ای را که همسایه خویش را به نیکی‌کردن یاری کند.[25] امام کاظم (ع) می‌فرمایند: درمیان قوم بنی‌اسرائیل مردی مؤمن می‌زیست که همسایه ای کافر داشت، آن مرد کافر نسبت به آن فرد با ایمان رئوف بود و برایش کار خیر انجام می‌داد، وقتی او از دنیا رفت، خداوند در دوزخ خانه‌ای از گل برایش بنا کرد تا او را از حرارت آتش جهنّم حفظ کند و حتی به او روزی هم می‌رسید. به آن مرد گفتند: این لطف حق به خاطر مدارا و نیکی تو به همسایه مؤمن می‌باشد.[26]

از چشمه تا مرداب

برخورداری از همسایه صالح از عوامل سعادت انسان است. انس و الفت با چنین انسان‌هایی در واقع شکرگزاری نعمت و قدردانی از لطفی است که خداوند در حق ما کرده است. محیط و معاشرت‌های محله‌ای چه در بعد مثبت و چه در بعد منفی بر روان‌های آدمیان اثر می‌گذارد. به قول شهید مطهری روح انسان حسّاس است و بدون آنکه خود شخص متوجّه باشد صلاح و فساد از فردی دیگر به وی سرایت می‌کند.[27] امام علی(ع) فرموده‌اند: همنشینی با هواپرستان فراموش خانه ایمان است.[28] همسایه خوب چون گلی خوشبو با رایحه خود جان آدمی را معطر می‌سازد، روح و روان را صفا می‌دهد و طراوت زندگی را افزون می‌سازد، اما همسایه ناشایست چون ماده‌ای متعفن مشام مجاوران خود را می‌آزارد و نه تنها محیط زندگی را به مردابی آلوده تبدیل می‌کند بلکه حالات درونی و افکار و گرایش‌های همسایگان خود را خدشه‌دار می‌سازد. پنجمین فروغ ابدیت می‌فرمایند: شیعه علی(ع) کسی است که برای همسایگان خود مایه برکت باشد و با معاشران خویش در صلح و صفا بسر برد.[29] رسول اکرم(ص) نیز به جامعه اسلامی توصیه می‌فرمایند: به گونه‌ای رفتار کنید که همسایگان از دست شما آسوده باشند.[30] همسایگان باید با دید و بازدید، احوالپرسی و مانند آن، روابط متقابل خویش را استوار و ماندگار کنند و در صورتی که رابطه همسایگان قطع باشد واقعاً محلّه به کالبدی بدون روح تبدیل می‌شود و خاصیت اصلی، نشاط و شادابی را از دست می‌دهد، از این جهت حضرت علی(ع) می‌فرمایند: شایسته است همسایگان به دیدار هم روند، در غیر این صورت همسایگی را ترک گویند.[31] رسول خدا(ص) نیز در کلامی نورانی گوهرافشانی فرموده‌اند: وقتی دو نفر تو را دعوت کردند، دعوت کسی را که خانه اش به محل سکونت تو نزدیکتر است، بپذیر زیرا آن که منزلش در قرب خانه شماست در همسایگی تقدّم دارد.[32]

حرمت همسایه

حفظ حرمت همسایه و توجه داشتن به حیثیت او، از دیگر وظایف اخلاقی ما نسبت به همسایگان است. حضرت پیامبر اکرم(ص) می‌فرمایند: هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد باید همسایه‌اش را حرمت نهد و او را اکرام کند.[33]

امام صادق(ع) می‌فرمایند در کتاب امیرمؤمنان(ع) خواندم که رسول خدا(ص) فرموده بودند: همسایه همچون نفس انسان است، نباید خسرانی متوجه او شود و نیز روا نیست همسایه را (بدون جهت) مجرم تلقی کرد و حرمت همسایه با احترام مادر برابر است و نیز از آن حضرت نقل شده است: حرمت همسایه همچون حرمت خون است و باید همسایه را گرامی داشت اگرچه غیر مسلمان باشد.[34]

معمولاً رفتار و کردار افراد در یک محله یا مجتمع مسکونی مورد ارزیابی همسایگان قرار می‌گیرد و افراد در مورد شیوه‌های اخلاقی و خصال افراد به داوری می‌پردازند و اگر در مجموع خوبی‌های کسی را تأیید کردند باید خدا را سپاسگزار بود، در غیر این صورت باید در مناسبات رفتاری و حالات و خلق‌وخوی خویش تجدیدنظر کرد و نسبت به اصلاح رفتار خویش کوشید و در این بازنگری ها خصلت‌های منفی را از خود دور کرده و آن خلق‌وخویی را که مورد تأیید افراد خوش‌فکر و اهل انصاف است تقویت نمود و نسبت به شکوفایی آن همت ورزید. ابوذر غفاری از رسول اکرم(ص) سؤال کرده است: چگونه بدانم نیکوکار یا بدکارم؟ آن حضرت فرمود: هنگامی که از همسایگان شنیدی درباره‌ات می‌گویند به تحقیق نیکو عمل کرد، پس نیکوکاری و اگر متوجه شدی که می‌گویند، بد کرد، بدکاری![35]

ابوذر غفاری از رسول اکرم(ص) سؤال کرد: چگونه بدانم نیکوکار یا بدکارم؟ آن حضرت فرمود: هنگامی که از همسایگان شنیدی درباره‌ات می‌گویند به تحقیق نیکو عمل کرد، پس نیکوکاری و اگر متوجه شدی که می‌گویند بد کرد، بدکاری!

همدردی با همسایگان

اسلام دایره زندگی مسلمانان را از محدوده خانواده به سوی دوستان، خویشاوندان و همسایگان گسترش می‌دهد و از انسان معتقد به قرآن و قیامت می‌خواهد که تنها به رفاه خویش فکر نکند در حالی که همسایه‌اش وضع مشقت‌باری دارد و از تهیه و تدارک کمترین امکانات زندگی خویش ناتوان است.

امام چهارم فرمود: کسی که شب را با سیری بگذراند و در همسایگی او مؤمنی گرسنه باشد خداوند می‌فرماید: ای فرشتگان، شما را بر این بنده گواه می‌گیرم که من او را به نیکی امر کردم ولی پیروی نکرد و از غیر من اطاعت کرد، او را به اعمال خودش واگذار کردم. سوگند به عزّت و جلال خودم هرگز چنین شخصی را نخواهم بخشید.[36]

بنابه فرمایش امام سجاد(ع) از جمله گناهانی که مانع نزول باران می‌شود ترک کمک به همسایه است و از فرموده‌های آن امام همام است که اگر فردی بیش از احتیاجات خود پوشاک داشته باشد و بداند کسانی در همسایگی او هستند که به آن نیاز دارند و از دادن به آنان خودداری کند، خداوند او را در آتش دوزخ خواهد افکند.[37]

از عادات پسندیده حضرت یعقوب نبی آن بود که هر شب گوسفندی در خانه‌اش ذبح می‌شد و فرزندان و اهل خانه‌اش ملزم بودند حداقل نیمی از آن را برای فقیران بخصوص همسایگان مستمند ببرند. در شب جمعه‌ای وقتی نصف گوسفند ذبح شده را انفاق و باقی‌مانده را مصرف کردند، مردی فقیر که در همسایگی آن بیت نبوت سکونت داشت و نامش «ذمیال» بود، مقارن افطار با زبان روزه در خانه یعقوب آمد و اظهار داشت روزه دارم، از غذای خویش مقداری به من بدهید و چندین‌بار این تقاضا را تکرار کرد، اهل خانه صدایش را شنیدند ولی با بی‌اعتنایی از آن گذشتند و یا اینکه در تاریکی تشخیص ندادند که او همان همسایه نیازمند و روزه‌دار است، در واقع به ادعای او شک کردند.

آن مرد با ایمان به حال ناامیدی از در خانه یعقوب رفت در حالی که ذکر خداوند و حمد الهی بر زبانش جاری بود، با همان حال گرسنگی بدون افطار خوابید، روز بعد را نیز روزه گرفت و با متانت گرسنگی را تحمّل کرد و آن روز را بدون خوردن طعامی سپری کرد.

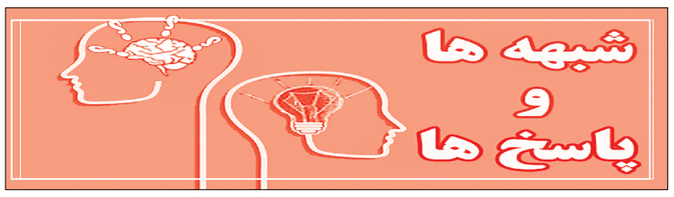
خداوند متعال به حضرت یعقوب(ع) وحی کرد: ای رسول من، براستی محبوب‌ترین فرستادگانم کسی است که بر مستمندان ترحّم کند و فقیران را به خود نزدیک کرده و آنان را اطعام نماید و در هر شرایطی به فکر سیرکردن آنان باشد.

شب گذشته بر بنده‌ای از بندگان من -ذمیال- توجه نکردی و با وجود آن که غذا در خانه‌ات بود وی را سیر نکردی. او با زاری به خانه خویش رفت. ای یعقوب، بدان که دوستانم را زودتر از دیگران به بلا و گرفتاری مبتلا می‌سازم.

اینک آماده ابتلا شوید و بر آنچه برایتان پیش می‌آید شکیبا باشید. از همان شب مشقت و رنج یوسف نبی آغاز شد ولی چون این پیامبر پاکدامن و صدیق در میدان‌های آزمایش الهی استواری و پایداری نشان داد و در این راستا پیروزی را نصیب خویش کرد مقامات دنیوی و اخروی والایی به دست آورد.[38]

پی‌نوشت‌ها:

۱. نساء، آیه ۳۶.
۲. تفسیرالقرآن‌الکریم، سید عبدالله شبر، ص ۱۱۴.
۳. سیری در نماز، حسین انصاریان، ص ۲۳.
۴. کافی، ج ۳، ص ۳۲۳.
۵. سفینةالبحار، محدث قمی، ماده رحم.
۶. امالی، شیخ مفید، ص ۲۰۵.
۷. الروضة من‌الکافی، کلینی، ج۲، صص ۵۱ ـ ۵۲.
۸. کشف‌الغمه، اربلی، ج ۲، ص ۲۵؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۸۵.
۹. نهج‌البلاغه صبحی صالح، خطبه ۱۹۲ قاصعه.
۱۰. همان، خطبه ۱۹۳ همام.
۱۱. همان، نامه ۴۷؛ بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۱۵۳.
۱۲. نهج‌الشهادة، ص ۳۱۶.
۱۳. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۵۸.
۱۴. همان، ج ۷۸، ص ۳۴۱.
۱۵. کافی، ج ۲،ص ۶۶۹؛ وافی، ج۱، ص ۳۵۹.
۱۶. المحجةالبیضاء ، فیض کاشانی، ج۳، ص ۴۲۲.
۱۷. الروضة من‌الکافی، ج ۱، ص ۲۱۴ ؛ آثارالصادقین، احسان بخش، ج۲، ص ۳۷۹.
۱۸. نهج‌الفصاحه، ص ۲۹۱.
۱۹. مستدرک‌الوسائل، میرزا حسین نوری، ج ۲، ص ۷۹؛ بحار، ج ۸۲، ص ۹۳.
۲۰. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۷؛ میزان الحکمة، ج ۲، ص ۱۹۵.
۲۱. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۱۵۰.
۲۲. نهج‌الفصاحه، ص ۱۱۰ و ۴۶۳؛ میزان الحکمه، جلد ۲، ص ۱۹۰.
۲۳. نهج‌الفصاحه، ص ۱۴.
۲۴. اصول کافی، ج۴، ص ۴۹۲.
۲۵. غررالحکم و دررالکلم، ص ۴۱۰.
۲۶. بحارالانوار، ج ۸، ص ۳۴۹.
۲۷. حکمت‌ها و اندرزها، مطهری، ص ۲۸۱.
۲۸. تحف‌العقول، ص ۳۱۹.
۲۹. همان، ص ۳۴۴.
۳۰. تنبیه‌الغافلین، ص ۱۰۵.
۳۱. شرح نهج‌البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۲۰، ص ۳۲۲.
۳۲. نهج‌الفصاحه، ص ۲۵.
۳۳. المحجةالبیضاء، ج۵، ص ۱۲۵ ؛ نهج‌الفصاحه، ص ۵۷۳؛ کیمیای سعادت، ج ۱، ص ۴۲۷.
۳۴. اصول کافی، ج ۱، ص ۴۶۵ ؛ مشکوةالانوار، طبرسی، ج ۱، ص ۴۶۴ ؛ جامع الاخبار، ص ۹۸.
۳۵. المحجةالبیضاء، ج ۳، ص ۴۲۵.
۳۶ و ۳۷. ثواب‌الاعمال، ص ۲۹۸.
۳۸. الجواهرالسنیة ، شیخ حرّ عاملی، ص ۴۴؛ اصول کافی، ج ۴، ص ۴۹۱ ؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۴۱۱؛ تفسیر برهان، ج ۲، ص ۲۴۳.



هادی خالصی

شبهه: اقوام ما مذهبی و انقلابی نیستند، تصمیم دارم با آنها قطع ارتباط کنم! به نظر شما این کار بد است؟

پاسخ: در جهان‌بینی اسلامی، «صله رحم» نه یک توصیه اخلاقیِ گزینشی، بلکه یکی از واجبات مؤکد الهی است که به هیچ وجه مشروط به همسویی فکری یا سیاسی با خویشان نشده است. دین مبین اسلام، پیوند خویشاوندی را نعمتی الهی و ریسمانی ممتد می‌داند که گسستن آن، ساحتِ رحمتِ پروردگار را از انسان دور می‌کند. از منظر قرآنی و روایی، تفاوت در بینش‌های عقیدتی یا رویکردهای اجتماعی، مجوزی برای قطع رابطه نیست؛ بلکه آنچه در این میان حائز اهمیت است، مدیریتِ کیفیتِ این ارتباط برای حفظ سلامتِ نفسِ مؤمن و در عین حال، حفظِ حریمِ خانواده است. در این نوشتار، با استناد به مبانی اصیلِ دینی، نکاتی در مورد «ارتباط با خویشاوندانِ غیرهمسو» و بایسته های تعامل با آنان بیان می شود.

۱. صله رحم دستور الهی:

صله رحم به معنایِ حفظ پیوند با خویشان، از دستورات خداوند و دین است. قرآن می‌فرماید: «إِنَّ‌اللهَ یَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسانِ وَ إِیتاءِ ذِی‌الْقُرْبی ؛ همانا خداوند به عدل و احسان و رسیدگی به خویشاوندان فرمان می‌دهد.»[1] این دستورخداست و به صراحت امر الهی به آن تعلق گرفته و این درجه بالای اهمیت این موضوع را می رساند.

۲. پاداشِ نیکی در برابرِ بدی:

اگر منظورتان از مذهبی نبودن و انقلابی نبودن آنان این است که برخلافِ ارزش‌های شما رفتار می‌کنند، وظیفه اولیه شما پاسخ نیکوست. چون قرآن کریم این مدل رفتار را باعث اَصلاح و جذب به دین و مذهب و انقلاب می‌داند. اگر شما خوش‌اخلاق و خوش‌بیان باشید و درست رفتار کنید در بسیاری موارد این افراد جذب می‌شوند.

قرآن می‌فرماید:«ادْفَعْ بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ‌السَّیِّئَةَ فَـإِذَا الَّذِی بَیْنَکَ وَ بَیْنَهُ عَـداوَةٌ کَأَنَّهُ وَلِیٌّ حَمِیمٌ ؛ بدی را با نیکی دفع کن، آنگاه می‌بینی کسی که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی مهربان خواهد شد.»[2]

این رفتار حتی در مورد خویشانِ گریزان هم در روایات آمده است. امام صادق(ع) در تبیین کیفیت صله رحم می‌فرمایند: «صِلْ مَنْ قَطَعَکَ ؛ با کسی که با تو قطع رابطه کرده، ارتباط برقرار کن.»[3] این یعنی حتی اگر آنها مایل به ارتباط نیستند، شما نباید پیش‌قدم در قطع رابطه باشید. این‌ها برای جذب و اصلاح خویشاوندان توصیه شده است.

۳. تذکرات عالمانه در عین احترام و وقار:

اگر خانواده و فامیل از سطح فرهنگی بالایی برخوردار هستند به این معنا که می‌توان بدون توهین و تحقیر و محترمانه با آنها گفت‌وگو کرد و اهل توهین و تحقیر و داد و بیداد نیستند، حتماً توصیه به گفت‌وگوی عالمانه در مورد مسائل دینی و مذهبی و انقلابی وجود دارد. بسیاری از دشمنی‌ها با دین و مذهب و انقلاب از سر جهل و ندانستن واقعیات است. بسیاری از این افراد از اطلاعات پایینی برخوردارند و یا تحت‌تأثیر تبلیغات و پروپاگاندای تبلیغاتی علیه اسلام و انقلاب و مذهب هستند. اگر کسی عالمانه و با دلیل و مدرک و مستند بتواند اشتباهاتشان را اصلاح کند موثر خواهد بود. بسیاری از خویشاوندان انسان‌های لجوج و معاندی نیستند و تنها اطلاعات اشتباه دارند و اگر انسان مؤمن توانایی علمی و آگاهی لازم را داشته باشد، در موقعیت‌های مختلف باید نقش راهبری و اصلاحگری داشته و محترمانه بتواند اشکالات فکری را گوشزد کند. این گفت‌وگوها شاید همان موقع اثر نداشته باشد ولی در درازمدت حتماً روی حرف فکر می‌کنند و اگر لجباز نباشند حتماً اثر خواهد داشت.

۴. مرزبندیِ رفتاری بدونِ حذفِ فیزیکی:

مؤمن باید در برابر گناه بی‌تفاوت نباشد، اما این به معنای قهر نیست. در روایات بر «مدارا» تأکید شده؛ یعنی حضور در جمعِ خانواده، اما عدم همراهی با گناه یا عقاید باطل، با حفظِ ادب و متانت. اگر واقعاً نمی‌شود با خویشاوندان بحث کرد و چنین قابلیت علمی در خود فرد نیست یا آنها اهل گفت‌وگو با او نیستند، می‌توان رابطه را حفظ کرد ولی موقعی که این حرف‌های سیاسی را می‌زنند از جمع آنها جدا و به جای دیگری رفت تا موضوع عوض شود.

۵. تمایزِ «ولایت» از «صله رحم»:

مفهوم «تولّی و تبرّی» به معنایِ عدم دوستی با دشمنانِ خداست، اگر دشمنی آنها با دین و مذهب انقلاب به حدی زیاد است که هیچ تذکر و گفت‌وگویی با آنها فایده ندارد. اهل توهین و تحقیرند و بر رفتار نادرستشان اصرار دارند و نوعی دشمنی و عناد با دین و مذهب پیدا کرده‌اند، اینجا رفت‌وآمد زیاد با آنها توجیهی ندارد. می‌توان با آنها رفت‌وآمد فیزیکی را کم‌کرد و از آنها دوری کرد و ارتباط فامیلی با ارتباط تلفنی هر از گاهی حفظ کرد. اینطوری نه قطع رحم شده و نه با افراد معاند زیاد رفت‌وآمد شده است. بنابراین می‌توان گفت حکم صله رحم با خویشانی که معاند با مذهب و انقلابند، متفاوت است و در عین حالی که می‌توان با آنها رفت‌وآمد فیزیکی را کم کرد، نباید باعث قطع رحم شود و ارتباطات از راه‌های دیگر مانند دیدار در مکان‌های عمومی و احوال‌پرسی تلفنی و مجازی حفظ شود.

نتیجه گیری

برآیندِ آموزه‌های وحیانی و سیره معصومان(ع) نشان می‌دهد که پیوند خویشاوندی، حقیقتی اصیل و فراتر از اشتراکاتِ فکری و گرایش‌های سیاسی است. استدلال‌های ارائه شده گویای این حقیقت است که قطعِ ارتباط، نه تنها راهکاری برای حل چالش‌های عقیدتی نیست، بلکه با مسدود کردنِ مجاریِ گفت‌وگو و تبیین، فرصتِ اثرگذاریِ مثبتِ و هدایتِ اطرافیان را نیز از میان می‌برد.

اسلام به جای اتخاذِ رویکردِ حذفی و تقابلی در خصوص ارحام و خویشاوندان، الگوی «مدارای فعال» را پیشِ روی مؤمن قرار می‌دهد؛ الگویی که در آن، «صله رحم» به‌مثابه یک اصلِ ثابت، در کنارِ «تذکرِ مشفقانه» و «مرزبندی‌های اخلاقی»، همزمان دنبال می‌شود. در واقع، با بهره‌گیری از ظرفیتِ گفت‌وگوهای عالمانه و در موارد خاص، با مدیریتِ فیزیکیِ تعاملات برای پرهیز از چالش‌های فرساینده، می‌توان ضمنِ حفظِ کرامتِ صله رحم و پایبندی به اصولِ دینی و انقلابی، از تحکیمِ دشمنی‌ها پیشگیری کرد. این استراتژیِ هوشمندانه، نه تنها مانع از بروزِ گناهِ قطعِ رحم می‌شود، بلکه می‌تواند در بلندمدت، فضایِ فکریِ خویشاوندان را به سمتِ حقیقت سوق داده و تعاملاتِ خانوادگی را به بستری برای ترویجِ ارزش‌هایِ متعالی تبدیل کند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. نحل، آیه ۹۰ ؛ ۲. فصلت، آیه ۳۴؛ ۳. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث‌العربی، ۱۴۰۳، چاپ دوم، ج ۶۸ ، ص ۴۲۳

از منظر قرآنی و روایی، تفاوت در بینش‌های عقیدتی یا رویکردهای اجتماعی،مجوزی برای قطع رابطه نیست؛ بلکه آنچه در این میان حائز اهمیت است، مدیریت کیفیت این ارتباط برای حفظ سلامت نفس مؤمن و در عین حال حفظِ حریم خانواده است.

قطع ارتباط، نه تنها راهکاری برای حل چالش‌های عقیدتی نیست، بلکه با مسدودکردنِ مجاریِ گفت‌وگو و تبیین، فرصتِ اثرگذاریِ مثبت و هدایتِ اطرافیان را نیز از میان می‌برد. اسلام به جای اتخاذِ رویکردِ حذفی و تقابلی در خصوص ارحام و خویشاوندان، الگوی «مدارای فعال» را پیشِ روی مؤمن قرار می‌دهد؛ الگویی که در آن، «صله رحم» به‌مثابه یک اصلِ ثابت، در کنارِ «تذکرِ مشفقانه» و «مرزبندی‌های اخلاقی»، همزمان دنبال می‌شود.

آزادی بیان در تاریخ اسلام

شما در کجای تاریخ عالم دیده‌اید که در حکومتی که لااقل به ظاهر خیلی قسمتهایش مذهبی بوده و همه مردمش احساسات مذهبی دارند، به غیر مذهبی‌ها آن اندازه آزادی بدهند که بیایند در مدینه در مسجد پیغمبر و در مکه در مسجدالحرام بنشینند و آزادانه اصول دین را انکار کنند؛

فردی برود در مسجد مدینه بنشیند و خدا را انکار کند، درباره خدا بحث کند و بگوید من خدا را قبول ندارم؛ دیگری بیاید در مسجدالحرام بنشیند و حج را مسخره کند، بگوید من این عمل را قبول ندارم، من خدا را قبول ندارم، پیغمبر را قبول ندارم.

ولی در تاریخ اسلام، ما اینها را می بینیم و به دلیل همین آزادی‌ها بود که اسلام توانست باقی بماند.

اگر در صدر اسلام تا کسی می‌آمد در مدینه می‌گفت من خدا را قبول ندارم، می‌گفتند بزنید، بکشید، امروز اسلامی وجود نداشت.

اسلام به این دلیل باقی مانده که با شجاعت و صراحت با افکار مختلف مواجه شده است.

مجموعه آثار استاد شهید مطهری (آینده انقلاب اسلامی ایران)
ج۲۴، صص: ۱۲۹-۱۲۸

دل و عقل

اسلام در عین اینکه دل را قبول دارد، عقل را هم تحقیر نمی‌کند. درعین اینکه دل را قبول دارد، عشق را هم قبول دارد، سیروسلوک را هم قبول دارد. عقل و فکر و استدلال و منطق را هم هرگز حاضر نیست تحقیر کند، برای عقل و فکر و استدلال و برای تعقل نهایت احترام را قائل است، این است که در دوره‌های متاخر اسلامی گروهی پیدا شدند که دل و عقل را، هر دو را با یکدیگر داشته‌اند.

شیخ شهاب‌الدین سهروردی، شیخ اشراق، تقریبا راهش همین است و از آن بیشتر ملاصدرا، صدرالمتالهین شیرازی که او از آن کسانی است که راه عقل و راه دل را به پیروی از قرآن، می‌خواهد هر دو را محترم بشمارد و نمی‌خواهد مثل بوعلی راه دل را تحقیر بکند (البته بوعلی هم در اواخر برگشته است، از نظر خودش) و نمی‌خواهد مانند بعضی از عرفا و متصوفه راه عقل را تحقیر بکند، می‌خواهد هر دو را محترم بشمارد، بنابراین اسلام با اینکه علم و عقل و عشق تحقیر بشود، موافق نیست و این تحقیر مورد تایید اسلام نیست...

استاد شهید مطهری، انسان کامل، ص ۱۶۰و ۶۱